

از بعثت رسول الله تا هجرت به حبشه

۱: روحيات پیامبر خاتم در بعثت و پس از آن

۲: پیشگامان اسلام و نخستین مسلمانان

۳: مراحل دعوت رسول خدا، نتایج، شیوه‌ها

۴: شیوه‌های برخورد مشرکین مکه و انگیزه آنان

۵: دلایل نپذیرفتن اسلام از سوی مشرکان

واژه «هجرت» که مشتقات آن بیش از ۲۰ بار در قرآن آمده است در عرف دینی به معنی «کوچ» و «خروج از یک سرزمین به منظور حفظ و تحکیم مبانی عقیدتی و ایمانی است. «مهاجر» کسی است که از محدوده حکومت طاغوت و استبداد خارج میشود تا بتواند معاشرت تربیت و عبادتش را متناسب با شریعت و آرمان خود ترتیب دهد.

در عرف جامعه شناسی اقوام مهاجر کسانی اند که به انگیزه‌های شغلی حرفه ای و معیشتی مانند کار تجارت و یا علل طبیعی مانند، زلزله، سیل قحطی و یا به منظور بهره‌وری از مواهب خدماتی و رفاهی به منطقه دیگری کوچ کرده و ساکن شده‌اند.

در عرف سیاسی کسانی مهاجر شناخته میشوند که به سبب گرایشهای سیاسی و اجتماعی شان در وطن خود از امنیت جانی مالی و حیثیتی برخوردار نیستند و طبعاً به سرزمین دیگر گریخته با پناهنده شده‌اند. آنچه در آموزه‌های دینی بر آن تأکید شده است لزوم گسستن از جامعه جاهلی و تلاش برای پیوستن به جامعه ای متکامل و شرایطی تعالی بخش است. اصولاً فلسفه هجرت در قرآن و سنت پیامبر گویای آن است که



یک بهانه برای مشرکان

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا
وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ

1

از منظر قرآن برای مشرکان مکه شگفت آور بود که به مردی از خودشان وحی شده باشد. آنها در پی بهانه جویی بودند به همین دلیل از رسالت پیامبر خرسند نبودند و مدعی بودند که نشانه ای بر حقانیت ایشان وجود ندارد و نمیتوانند مفاهیم قرآنی را درک کنند. آنان همچنین درخواستهای غیر معقول و غیر منطقی نیز داشتند.

علاوه بر آن پذیرش دعوت پیامبر و ایمان به دین اسلام را به این موارد مشروط می کردند: قرآنی دیگر جز این آورده شود و یا تغییر و تحولی در آن پدید آید تا با عقیده ما سازگار باشد؛ همانند چیزی که به پیامبران داده شده است (وحی) به ما نیز داده شود؛ «خدا با ما

تبیین قرآن شناخت

برگی از تاریخ

در برخی منابع تاریخی در خصوص وفاداری ابوطالب و حمایت از رسول الله آمده است که در شبی که رسول خدا را به معراج بردند ابوطالب به خانه پیامبر آمد و چون او را ندید جوانان بنی هاشم را جمع کرد و دستور داد هر یک خنجر برگیرند و در مسجد در کنار یکی از بزرگان قریش و از جمله ابوجهل بنشینند تا اگر محمد صلی الله علیه وسلم کشته شده بود آنان را به قتل برسانند. جوانان بنی هاشم نیز بدین منظور وارد مسجد الحرام شدند. ابوطالب کمی بعد متوجه شد رسول خدا در سلامتی به سر میبرد. فردای آن روز ابو طالب تصمیم شب گذشته را با بزرگان قریش در میان گذاشت و گفت: «به خدا قسم اگر محمد کشته شده بود یک نفر از شما زنده نمیماند آنان سخت متأثر شدند و تا زمانی که ابو طالب زنده بود آن حضرت را فقط استهزاء و تمسخر میکردند به دنبال افزایش تهدیدهای، قریش ابوطالب به منظور حمایت از پیامبر افراد قبیله بنی هاشم اعم از مسلمان و بت پرست را بسیج کرد و در سال هفتم بعثت به شعب رفت. بدین ترتیب، سه سال خود و قبیله اش تحت شدیدترین فشارها قرار گرفتند؛ ولی دست از حمایت پیامبر برنداشتند

حط (ب) سیاست تطمیع



مخالفت مشرکان

هو بما رأون الدين محمرا وإن بالجنونك الاخروا ...

وي خوبونات بالدين من أوزجة

ان ماهيت دعوت شمار کسانی که ایمان آوردند و به اسلام گرویدند گسترشی یافت. از آنجایی که تعرض به پیامبر تعرض به قلمرو حقوقی قبیله تلقی می شد. مشرکان مکه برای وصول به دو هدف یعنی فراهم سازی زمینه انزوای اجتماعی پیامبر و مهیا کردن زمینه اجتماعی مناسب برای برخورد مستقیم با ایشان با قرآن به مبارزه برخاستند و در ادامه دست به ترور شخصیت رسول الله له زدند. آنها در این راستا به راهها و روشهایی متوسل شدند که به مهم ترین آنها اشاره می شود

حل ألفا سیاست مذاکره و گفت وگو وقال الكابرون هذا تناجر محلات - أجمل الآلهة إلها واحدا إن هذا الشي شباب

در نظام قبیلگی حاکم بر مکه، تعرض به افراد هر قبیله ای خطر انتقام جویی افراد آن قبیله را به همراه داشت. به همین دلیل بزرگان مکه به این نتیجه رسیدند که بهترین راه بازداشتن حضرت محمد، استفاده از نفوذ عمویش ابو طالب رئیس قبیله است. از این رو، در دیدارهای خود با ابوطالب از وی خواستند محمد را از دیدگویی به خدایان آنها درشت شمردن آیینشان دبی خرد خواندن بتان و گمراه دانستن پدرانشان باز دارد. این تلاش ها به نتیجه ای نرسید؛

- بقر

نظر شما خواننده گرامی
۱. آیا رفاه مادی سبب ناسپاسی میشود؟ در صورت
پاسخ مثبت برای خنثی سازی رابطه میان این دو چه
کاری میتوان انجام داد؟
۲. چرا غالباً رفاه مادی و فراوانی ، نعمت سبب
ناسپاسی در برابر نعمتهای الهی میشود؟

-
- ۱ مذاکره و گفت وگو با ابوطالب و رسول خدا؛
- ۲ چشم زخم زخم زبان و طعنه زدن برای) ،نمونه ابتر
نامیدن پیامبر) آزار و اذیت تهدید ،استهزاء، تمسخر و
تکذیب رسول خدا ، مسلمانان، قرآن و اسلام
۴. تطمیع رسول خدا؛
- ه دشمنی و کینه توزی علیه رسول خدا، مسلمانان و
اسلام؛
- ۶ مطرح کردن اتهاماتی چون شاعری کهانت، جنون،
ساحری و دروغ گویی؛ ۷. بهانه جویی های عجیب و
درخواستهای محال نامعقول و غیرمنطقی ۸ شبهه افکنی
و طرح ایراد و سؤالهای انحرافی
۹. افسانه خواندن قرآن آن را رونوشتی از قصه‌های

